

غرفه‌ی ۲ : ماجرای غدیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سال دهم هجری بود. منادیان پیامبر رحمت صلی الله علیه وآله وسلم در اطراف ندا می‌دادند تا همه‌ی مردم بدانند که امسال بیت‌الله الحرام شرفِ حضورِ خاتم‌الأنبیا را درک خواهد کرد. خیل عظیم هفتاد هزار نفری مهاجر و انصار با اضافه شدن مردم مکه و مسلمانان شهرهای دیگر و یمنی‌ها که به همراهی علی علیه السلام راهی انجام مراسم حج می‌شدند به صد و بیست هزار تن می‌رسید. کاروان زائران خانه‌ی خدا از مدینه به سوی مکه حرکت کرده بود و پس از رسیدن به زادگاه اسلام، مسلمانان به همراهی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به اعمال حجّشان پرداخته بودند. پیامبر رحمت طیّ آن روزها در مکان‌هایی مناسب، آخرین سفارش‌های مذهبی و فرمان‌های الهی را به مسلمانان گوشزد فرمودند.

روز هشتم ذی‌حجه نیز رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم با اشاراتی به مسلمانان اعلام فرمودند که امسال آخرین سال عمرشان است و پس از اندک زمانی، منادی حق را لبّیک خواهند گفت:

«بدانید! دو چیز گران‌مایه در میان شما باقی می‌گزارم که اگر بدان‌ها متوسل شوید، هرگز گمراه نخواهید شد. آن دو چیز، کتاب خدا و عترتم که اهل بیت من‌اند. آن دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»

در اواخر مراسم حج، رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم میراث پیامبران را به فرمان الهی، به پیشوای پارسایان سپردند و قبل از حرکت از مکه، پیامبر صلی الله علیه وآله

وسلم دستور دادند تا بزرگان و اصحاب طیّ مراسمی به محضر امیرمؤمنان علیه السلام حضور یابند و با عنوان «امیرالمؤمنین» بر او سلام گویند.

بلافاصله پس از اتمام حج، بلال از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم اعلام کرد:

«فردا... جز ناتوانان همه باید حرکت کنند و در وقت معین در غدیر خم حاضر باشند.»

قافله‌ی عظیم حاجیان به‌سوی غدیر خم حرکت کرد و نزدیک ظهر روز هجدهم ذی‌حجه وارد صحرای جُحفه شد. هنوز کمی به نقطه‌ی جدایی قافله‌ها برای رفتن به سرزمین‌هایشان باقی مانده بود که آن فرمان داده شد تا همه توقف کنند تا کسانی که پیش‌تر رفته‌اند بازگردند و آنان که پشت سر هستند برسند.

هوا گرم بود و سوزان و شدّت گرما به حدّی بود که مردم گوشه‌ای از جامه‌ی خویش را به سر انداخته و گوشه‌ای دیگر را زیر پای خود قرار داده بودند و در سایه‌ی مرکب‌ها، از اشعه‌ی گرم آفتاب خود را حفظ می‌کردند.

بی‌شک، خبر مهمّی در پیش بود؛ زیرا هر آن‌چه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمان می‌داد از جانب خداوند بود و هرگز از روی هوی و هوس سخن نمی‌گفت.

سلمان و ابوذر و عمار و مقداد به فرمان آن محبوب دل‌ها در کنار چند درخت، محلّی را آماده کردند. سگّوی بلندی از سنگ‌ها و روانداز مرکب‌ها فراهم شد. ظهر بود که مؤذّن ندای اذان سر داد. پیشوای آسمانی با مردم نماز خواند و سپس بر بالای محلّ بلندی که آماده شده بود قرار گرفت و بر فراز آن به‌گونه‌ای ایستاد تا همه او را ببینند و صدایش را

بهرتر بشنوند. با اشاره‌ی او، همه به گردش جمع شدند؛ بزرگ و کوچک، زن و مرد، پیر و جوان، مؤمن و منافق.

پیامبر مهربان امت، پس از ستایش خدای یگانه، اندکی درنگ نمودند و در حالی که به اطراف خود در میان توده‌ی مردم می‌نگریستند، با فریادی بلند، علی علیه السلام را نزد خود فرا خواندند و او را یک پله پایین‌تر از خویش بر فراز جایگاه نشاندند زیرا می‌بایست فرمان مهمی را درباره‌ی علی بن ابی طالب ابلاغ کنند و نیز تصریح فرمودند که خداوند به من این چنین وحی کرده است:

«ای پیامبر! آنچه را از پروردگارت بر تو فرود آمده است برسان که اگر نرسانی، رسالت حق را نگزارده‌ای؛ خداوند تو را از گزند مردم حفظ می‌کند...»

سپس امر مؤکد پروردگار درباره‌ی اعلام ولایت را با صراحت تمام بیان کردند:

«جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شده و از طرف خداوند مرا مأمور کرده است که در این محل اجتماع به پا خیزم و به هر سپید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است. هر که با علی مخالفت بنماید رانده‌ی درگاه خداست و هر کس او را پیروی کند مشمول رحمت الاهی است. مؤمن کسی است که به علی ایمان آورد و او را تصدیق کند.»

پس از آن رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم امامت دوازده امام بعد از خود را تا آخرین ایشان چنین اعلام فرمودند:

«خداوند عزیز و بزرگ صاحب اختیار شما و معبود شماست و بعد از خداوند، رسولش که اینک، پیش رویتان ایستاده و با شما سخن می‌گوید سرپرست شماست. پس از

من، به فرمان خدا، علی صاحب‌اختیار و امام شما خواهد بود و بعد از او، تا قیامت، امامت در نسل من از فرزندان او قرار خواهد داشت...»

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، در آن اجتماع بزرگ برای این که کمترین ابهامی باقی نماند دست علی علیه السلام را گرفتند و بلند کردند و منشور آسمانی خلافت را این‌چنین اعلام فرمودند:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ...»

«بر هر کس که من (صاحب اختیار) و مولای اویم، این علی مولا و (صاحب‌اختیار) است.»

در حالی که سخنان ایشان ادامه داشت. دست امیرالمؤمنین علیه السلام را در دست گرفته و هم‌چنان بالا نگه داشته بودند و فضایل ایشان را بازگو می‌فرمود تا بدین‌جا رسیدند که:

«ای مردم!... بدانید که شما را فرا می‌خوانم تا به عنوان بیعت با علی، نخست دست بیعت به من دهید و سپس با او پیمان ببندید... من از جانب خداوند عزیز و بزرگ، برای علی از شما بیعت می‌گیرم. پس هر کس پیمان شکند به خود زیان کرده است.»

رسول مهربان اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در ادامه‌ی سخن، از انبوه حاجیانی که در اجتماع غدیر حاضر بودند، بر پیشوایی و امامت علی و امامان بعد از او اقرار و اعتراف زبانی گرفتند و فرمودند:

«ای مردم! آنچه به شما گفتم بازگوید و بر علی به عنوان «امیرالمؤمنین» سلام کنید و بگویید: شنیدیم و اطاعت کردیم... خداوندا، مؤمنان را بیمارز و بر کافران خشم گیر که حمد و ستایش، سزاوار پروردگار جهانیان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پس از انتصاب امیرمؤمنان علیه السلام از جانب حق، این آیه را که جبرئیل نازل نمود را قرائت کردند.

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»

«امروز با اعلام ولایت و امامت علوی دینتان را کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و خشنود گشتم که اسلام آیین شما باشد.»

آری به ولایت امیرالمؤمنین و فرزندانسان دین خدا کامل شده بود. علی و فرزندانسان یک به یک معرفی و به پیشوایی اسلام برگزیده شدند. اینک، مردم پس از پیامبر هرگز بدون امام و پیشوا نخواهند بود تا روزی که به دست آخرین فرزند معصومش زمین مملو از عدالت و یکتاپرستی شود.

مردم دسته دسته در خیمه‌ای با خورشید رسالت بیعت می‌کردند و تبریک می‌گفتند و سپس با ماه ولایت به عنوان امام و جانشین بعد از پیامبر و امیرالمؤمنین دست بیعت داده سلام و تهنیت خویش را تقدیم آن مولا می‌کردند.

حسان بن ثابت، شاعر معروف، به مبارکی این روز، اشعاری در ستایش شاه مردان سرود که در برابر پیامبر و انبوه جمعیت خواند. در آخرین ساعات اجتماع غدیر، اتفاق عجیبی افتاد، حارث فہری که از خدا خواسته بود اگر آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می‌گوید از جانب خداوند است، سنگی فرود آید تا بمیرد؛ سنگی از آسمان فرود آمد او در مقابل چشمان همه جان داد در برابر چشم همگان جانش را از دست داد.

در میان آن جمع کسانی بودند که هرگز به پیامبر ایمان نیاورده بودند و هرگاه سخن از وحی می‌آمد، مضطرب و نگران، لحظه‌ها را شماره می‌کردند و در انتظار بودند تا سخن وحی به پایان برسد؛ مبادا که پیامبر از گنداب درون آنان خبر آورد و رسوایشان سازد. آنان کسانی بودند که با شور و هیجانی ساختگی دست بیعت به امام غدیر دادند؛ اما به‌زودی آن را فراموش کردند و مسلمانان را از این نعمت بزرگ محروم ساختند.

سرانجام، مسلمانان پس از سه شبانه‌روز توقف در کنار آبگیر خم و دست‌یافتن به نعمت با ارزش ولایت و امامت، راهی دیار خود شدند تا پیام غدیر را برای آنان که در غدیر حضور نداشتند از زبان خدا و پیامبرش نقل کنند و همه ساله غدیر را به عنوان بزرگ‌ترین عید مسلمانان جشن گیرند. آری این خواست خدا بود که خوش‌بختی و سعادت از غدیر امیرمؤمنان به انسان‌ها رسد.

اینک که با غدیر در متن تاریخ آشنا شدیم، پس از مروری بر آثار و کتاب‌های عرضه شده در این موضوع، امیدواریم در جایگاه بعدی شما را با پیام و محتوای غدیر بیش‌تر آشنا کنیم.

از خدای بزرگ می‌طلبیم که ما را با حقیقت غدیر، این نعمت بزرگ الهی، آشنا سازد و قدردان وجود پُربرکت امیر غدیریان قرار دهد.